

Original Article: Evaluation of economic diplomacy of the United Arab Emirates in the MiddleEast (casestudy: Qatar)

Parham Pourramezan *

Ph.D. in Political Science, Researcher of Conflict and Cooperation in the Middle East, Middle East Center for Scientific Research and Strategic Studies, Tehran, Iran



Citation Parham Pourramezan, Evaluation of economic diplomacy of the United Arab Emirates in the MiddleEast (casestudy: Qatar). *J. Law Political Stud.*, 2023, 3(4), 242-253

 <https://doi.org/10.48309/jlps.2023.4.1>



Article info:

Received: 19 September 2023

Accepted: 18 December 2023

Available Online: 22 December 2023

ID: JLPS-2311-1103

Checked for Plagiarism: Yes

Keywords:

economic diplomacy, United Arab Emirates, Qatar, West Asia.

ABSTRACT

With the beginning of the process of globalization in the West Asian region, from 2004 onwards, the United Arab Emirates changed its foreign policy to get out of isolation. This change was based on fundamental principles such as attention to development, economy and attention to neighbors in the matter of foreign policy. This country adopted these principles with a tool called economic diplomacy in the sense of using the economy to increase political bargaining power. One of the important destinations of this UAE diplomacy in the shadow of the neighborhood policy was the country of Qatar. The UAE has chosen Qatar because this country has a potential economic capacity and also has the ability to improve its regional and extra-regional position. Now, with this introduction, the main question of this research can be the economic diplomacy of the United Arab Emirates with Qatar. What challenges and opportunities does it contain? explained. The research method of this article is qualitative and with a descriptive and analytical approach. Also, articles, books and internet sites can be used as tools for collecting information. Since this research is practical It refrains from giving hypothesis. It is worth mentioning that by examining and analyzing the information available in the field of economic diplomacy of the United Arab Emirates with Qatar, it was estimated that the two countries have suitable investment capacities in cultural, economic and military dimensions, but political obstacles such as the attitude of the brotherhood of Qatar's foreign policy, Regional and extra-regional actors such as Saudi Arabia and others play a role in the challenges.

مقاله پژوهشی: ارزیابی دیپلماسی اقتصادی امارات متحده عربی در خاورمیانه (مطالعه موردی: قطر)

پرهام پوررمضان*

دکترای علوم سیاسی، پژوهشگر گروه کشمکش و همکاری در خاورمیانه، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ایران



ارجاع پرهام پوررمضان، ارزیابی دیپلماسی اقتصادی امارات متحده عربی در خاورمیانه (مطالعه موردی: قطر)، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲: ۲۵۳-۲۴۲.

<https://doi.org/10.48309/jlps.2023.4.1>

چکیده



اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۸ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۷ آذر ۱۴۰۲

تاریخ آنلاین شدن: ۱ دی ۱۴۰۲

آی دی مقاله: JLPS-2311-1103

بررسی شده با نرم افزار سرقت ادبی: بله

کلیدواژگان:

دیپلماسی اقتصادی، امارات متحده عربی، قطر، غرب آسیا.

با آغاز روند جهانی شدن در منطقه غرب آسیا، از سال ۲۰۰۴ به بعد کشور امارات متحده عربی برای خروج از انزوا دست به تغییر در سیاست خارجی خود زد. این تغییر بر مبنای اصولی بنیادین همچون توجه به توسعه، اقتصاد و توجه به همسایگان در امر سیاست خارجی بود. این کشور این اصول را با ابزاری به نام دیپلماسی اقتصادی در معنای استفاده از اقتصاد برای بالا بردن قدرت چانه زنی سیاسی در پیش گرفت، یکی از مقاصد مهم این دیپلماسی امارات در سایه سیاست همسایگی، کشور قطر بود. امارات از این جهت قطر را انتخاب نموده که این کشور دارای یک ظرفیت بالقوه اقتصادی و همچنین توانایی ارتقاء جایگاه منطقه ای و فرا منطقه ای خود را داراست. حال با ذکر این مقدمه پرسش اصلی این پژوهش را می توان دیپلماسی اقتصادی امارات متحده عربی با قطر حاوی چه چالش ها و فرصت هایی است؟ تبیین کرد. روش پژوهش این مقاله کیفی و با رویکرد توصیفی تحلیلی است. همچنین ابزار گردآوری اطلاعات را نیز می توان مقالات، کتاب ها و سایت های اینترنتی مطرح کرد. از آنجاکه این پژوهش کاربردی است از دادن فرضیه خود داری می گردد. شایان ذکر است که با بررسی و تحلیل اطلاعات موجود در زمینه دیپلماسی اقتصادی امارات متحده عربی با قطر اینگونه برآورد شد که: دو کشور از ظرفیت های مناسب سرمایه گذاری در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و نظامی برخوردارند اما موانع سیاسی همچون نگرش اخوانی سیاست خارجی قطر، بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای همچون عربستان سعودی و دیگران در راستای چالش ها نقش آفرینی می کنند.

مقدمه

سیاست، فرهنگ و اقتصاد را مطرح می کنند؛ اما بیشتر تحلیلگران بر امر استوارند که مهم ترین بعد این رهیافت را می توان بعد اقتصادی آن دانست. از این رو کشورها با دیپلماسی های نوینی که محصول این عصر است همچون دیپلماسی اقتصادی در راستای حل چالش ها و مشکلات در عرصه های سیاست داخلی و خارجی خود می کوشند. امارات متحده عربی تا اواخر دهه ۹۰ میلادی یک کشور خواهان توسعه بود اما با تغییر حکمرانان این کشور در سال ۲۰۰۴، این

با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، در عرصه روابط بین الملل شاهد تغییر پارادایم ها هستیم که از مهم ترین آنها می توان تغییر رهیافت های نظری از جهان دوقطبی به چندقطبی را مطرح کرد. این تغییر، محصول آغازشدن عصری به نام جهانی شدن است که به کشورهایی که تا این عصر فرصت بازیگری و ارتقای جایگاه منطقه ای و فرامنطقه ای خود را نداشته اند فرصت می دهد تا از بازیگری محدود به بازیگری فراگیر تبدیل شوند. برای این عصر ابعاد گوناگونی از جمله

این نکته نهاده شده که باتوجه به رویکرد فزاینده نگاه به بازیگران اقتصادی، کشور امارات متحده عربی می‌تواند در یک افق ۱۰ سال به یک بازیگر تأثیرگذار در اقتصاد سیاسی بین‌الملل تبدیل شود و ایران می‌تواند با گرفتن درس‌هایی از راهبردهای این کشور مانع از حذف خود از اقتصاد سیاسی منطقه‌ای شود.

حال در پایان این بخش باید مطرح کرد که پرسش اصلی این پژوهش را می‌توان دیپلماسی اقتصادی امارات متحده عربی با قطر حاوی چه چالش‌ها و فرصت‌هایی است؟ تبیین کرد. روش پژوهش این مقاله کیفی و با رویکرد توصیفی تحلیلی است. همچنین ابزار گردآوری اطلاعات را نیز می‌توان مقالات، کتاب‌ها و وبگاه‌های اینترنتی مطرح کرد. از آنجاکه این پژوهش کاربردی است از دادن فرضیه خودداری می‌گردد.

۱- پیشینه پژوهش

- پور رمضان (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل تأثیرات توسعه کریدورهای ترانزیتی بر ارتقاء جایگاه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: کریدور جنوب به شمال)" این ایده را دنبال می‌کند دیپلماسی اقتصادی را می‌توان دخیل شدن امر اقتصاد به شکل کمک در شکل دهی ابزار چانه زنی سیاسی برای کارگزاران سیاست خارجی مطرح کرد.

- چاترجی^۱ (۲۰۲۳) در کتابی با عنوان "دیپلماسی اقتصادی و سیاست‌گذاری خارجی" این ایده را دنبال می‌کند که دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است و در چارچوب رقابت فزاینده بین‌المللی، دیپلماسی اقتصادی با تقویت نقش روابط اقتصادی و تجاری، ثابت کرده که عنصر اولویت‌دار روابط بین‌الملل در سده بیست و یکم است.

- عزیزیان و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان "استراتژی سیاست خارجی محمد بن زاید؛ تهدیدات، ظرفیت‌ها و الزامات امنیتی ایران" این ایده را دنبال می‌کند که امارات با

کشور با اتخاذ سیاست‌های خروج از انزوای سیاسی و در پیش گرفتن سیاست خارجی توسعه‌گرا توانست خود را به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای به کشورهای خاورمیانه و حتی کشورهای فرا این منطقه معرفی کند، و دکتترین توسعه خود را بر مبنای کشورهای در حال توسعه به عرصه‌ی تبیین و تحلیل بیاورد. در رهیافت‌های دیپلماسی اقتصادی این کشور توجه به مواردی همچون سیاست خارجی توسعه‌گرا، گرایش به تنش‌زدایی به‌جای تنش‌زایی، ارتباط فزاینده با همسایگان و همچنین نگاه منطقه‌گرایانه به‌وضوح قابل‌درک است. این کشور به‌خوبی درک کرده است که برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای با نگاهی به تغییر ژئوپلیتیک فرامنطقه‌ای خود باید در اذهان دیگر ملت‌ها از یک بازیگر سیاسی تبدیل به یک بازیگر اقتصادی شود. باتوجه به همین امر یکی از مقاصد مهم دیپلماسی اقتصادی این ساختار سیاسی، کشور قطر است. قطر به‌عنوان یک بازیگر که باتوجه به منابع مالی سرشار و همچنین وجود ظرفیت‌های خوب ژئو اکونومی مخصوصاً در زمینه انرژی توانسته است، اذهان حکمرانان امارات متحده عربی را برای یک دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر حفظ ارزش‌های کشور قطر در سیاست خارجی همچون رویکرد اخوانی این کشور به مسائل دوجانبه را برای یک رابطه اقتصادی روبه‌رشد آماده کند، شایان‌ذکر است این ارتباط اقتصادی مابین دو کشور حاوی فرصت‌ها و چالش‌هایی نیز است که می‌توان چالش‌ها را در نمود بازیگران فرامنطقه‌ای، عدم وجود ظرفیت‌های اقتصاد سیاسی و عدم ثبات امنیت در منطقه خاورمیانه دسته‌بندی کرد و همچنین فرصت‌ها را نیز می‌توان در قالب بازیگرانی تنش‌زدا و نه تنش‌آفرین، اقتصاد انرژی پویا و متنوع کردن محصولات تولیدی منطقه خاورمیانه مطرح کرد.

چرایی ضرورت این پژوهش در این نکته نهفته است که ارزیابی دیپلماسی اقتصادی همسایگان ایران، می‌تواند در راستای برنامه‌ریزی کارگزاران سیاست خارجی کشورمان از جایگاه مهم‌تری برخوردار شود و شاخص‌های دکتترین سیاست خارجی نیز بر همین امر تنظیم گردد اما اهمیت این پژوهش در

1- Chatterjee

ملت‌سازی مبتنی برای قرن بیست و یکم، راهبردهای ملی توسعه اقتصادی و در نهایت توانمندسازی ژئوپلیتیکی این کشور در خلیج‌فارس و منطقه خاورمیانه استوار است.

– محمودی کیا (۱۴۰۲) در مقاله ای با عنوان "الگوی سیاست خارجی اخوانی قطر؛ زمینه‌های تاریخی، ابزارها و پیامدهای آن" بر این امر استوار است که رهیافت اسلامی تسط اندیشه ی اخوان المسلمین در شکل‌گیری کنش ورزی قطر توانسته است این کشور را از رویکرد منازعه با امارات متحده عربی به سمت رویکردهای توسعه‌ی اقتصادی متمایل کند.

در همه پژوهش‌هایی که به‌عنوان پیشینه در مقاله حاضر درج شده می‌توان به طور نمایانی رویکرد تئوریک و برداشت‌هایی بر مبنای ادوار زمانی را مشاهده کرد. از این رو، وجه تمایز این مقاله با دیگر آثار پژوهشی را می‌توان در ارجاع‌دهی به‌روز مطالب و تبیین واقعیت‌های نوین در روابط دوجانبه امارات متحده عربی و قطر دانست. در مقام بررسی می‌توان گفت که نکته دارای اهمیت دیگر نیز این است که در این پژوهش کوشش شده است در منظر هم راستا پژوهش‌های بالا گام برداشته شود و با یک خوانش دقیق، سعی بر ارزیابی روابط اقتصادی میان این دو کشور شود.

۲- چارچوب نظری

– جهانی شدن

در باره جهانی‌شدن و ابعاد و نمودهای آن نگرش‌های متفاوت و مختلفی وجود دارد، به طور که برخی بر این باورند که جهانی‌شدن یک پروژه است و به‌صورت مرحله‌ای از تکامل نظام جهانی سرمایه‌داری با ویژگی‌های جغرافیایی، طبقاتی و جنسیتی به شکلی متمایز رخ می‌دهد (Moghadam, 2021: 690).

برخی دیگر بر این امرند که برخلاف روایت رایج، واکنش منفی با نوسان گسترده افکار عمومی علیه جهانی‌سازی همراه نیست، بلکه بیشتر نتیجه سیاسی‌شدن آن است. نفوذ فزاینده بازیگران بدبین و رادیکال به جهانی‌شدن منجر به سیاست‌های حمایت‌گرایانه، انزواطلبانه و ملی‌گرایانه‌تر شده است که برخی

در پیش گرفتن ابزار و مکانسیم های اقتصادی توانست خود را از یک انزوا در دوران پسا ۲۰۰۴ خارج کند تا بتواند وارد اتحادها و ائتلاف های منطقه ای و فرا منطقه ای بشود که ایران و قطر نیز در همین راهبرد جای می گیرند.

– غلام نیاو و پیر محمدی (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان "تحول در سیاست منطقه ای امارات متحده عربی؛ رهیافت محمد بن زاید" بر این امر استوارند که امارات متحده عربی با در پیش گرفتن یک سیاست خارجی توسعه‌گرا به دنبال ارتقای جایگاه منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی خود است که در این امر نقش همسایگان از اهمیت وافری برخوردار است.

– کتیب^۲ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان "سیاست خارجی قطر؛ در چارچوب عمل‌گرایی" این ایده را دنبال می‌کند که کشور قطر به یک کشور عربی با وجهه بین‌المللی بالا و سیاست خارجی جاه‌طلبانه تبدیل شده است، و این مهم را در امر اقتصاد به‌ویژه در دوران پسا بهار عربی به‌خوبی می‌توان مشاهده و درک کرد.

– الکواری^۳ (۲۰۱۲) در مقاله ای با عنوان "دیدگاه‌ها و راهبردهای کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس از منظر اصلاحات: مطالعه مورد قطر" این ایده را دنبال می‌کند که چشم‌انداز ملی قطر ۲۰۳۰ که در سال ۲۰۰۸ به عرصه نگارش در آمد مورد همه‌پرسی عمومی قرار نگرفت و بسیاری از کسانی که مستقیماً در برنامه‌ریزی مرکزی قطر دخیل بودند، حتی تا پس از انتشار به شکل نهایی، نتوانستند نسخه‌ای از آن را تهیه کنند. شاید دلایل آن را به توان در اصطلاحات مبهم یا نامشخص، فقدان اهداف مشخص و همچنین هرگونه اشاره صریح به توسعه سیاسی در این کشور مطرح کرد.

– کورگیوتیس^۴ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان "اسلام میانه‌رو در امارات متحده عربی: دیپلماسی عمومی و سیاست مهار" بر این امر استوار است که سیاست‌های منطقه‌ای و داخلی امارات متحده عربی، بر اساس اسلام میانه‌رو بر ارکان دیدگاه‌های

^۲-Khatib

^۳- Al-Kuwari

^۴-Kourgiotis

ارتباط میان دو مفهوم سترگ یعنی بازار و دولت است بر این مبنای آنجا که بازار به تنهایی امکان تحقق این هدف را ندارد باید دولت به کمک آن بیاید. برداشت دیگر متعلق به دوران دهه ۵۰ تا ۷۰ میلادی است که این امر را بیان می کند که دیپلماسی اقتصادی را می توان مترادف دیپلماسی بازرگانی دانست و شواهد این امر را در زمینه گسترش این مفهوم، می توان به تقویت مدرنیزاسیون صنعتی در کشورها و احساس نیاز آنها به بازارهای جدید به کمک رایزن های امر اقتصاد دانست. اما ما در این پژوهش دیپلماسی اقتصادی را تنظیم روابط و سیاست های اقتصادی همچون شاخص های تولید ملی، صادرات و واردات و... به کمک دیپلماسی تعریف می کنیم. (حیدری و انعامی، ۱۳۹۱: ۴۳)

۱- ژئوپولیتیک اقتصادی^۵

برخی بر این باورند که ژئواکونومیک به عنوان ابزاری از ژئوپولیتیک، از طریق ارتباط مستقیم با اقتصاد سیاسی بین المللی و تعیین ژئواکونومی با ژئوپولیتیک در ساختار تکامل نظم جهانی و بردارهای جدید پویایی درک می شود. برخی دیگر ژئواکونومی را شامل مانور بین تهدیدات و پتانسیل منابع برای حفاظت در برابر آنها از طریق اجرای سیاست های واکنشی، از جمله سیاست های اقتصادی مطرح می کنند که این امر مکمل ژئوپولیتیک است و محتوای استراتژیک را برای ژئواکونومی فراهم می کند و در نهایت برخی دیگر معتقدند که این مفهوم و ژئوپولیتیک دارای ویژگی ها و اثرات کاملاً متفاوتی برای اهداف خود، چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی هستند. آنها شامل رهیافت های درونی هستند و توسط پویایی تعادل، تسلط یا تعادل ضعیف هدایت می شوند. (Lipkan, 2023: 120)

۲- نظریه وابستگی متقابل اقتصادی^۶

یکی از چالش های مهم در عرصه تبیین و تحلیل نظریات حوزه های روابط بین الملل تعریفی کامل و جامع از یک نظریه است بدان معنا که با آن تعریف بتوان همه وجوه آن نظریه را

از آنها اساساً ستون های نظم بین المللی معاصر را تهدید می کنند (Walter, 2021: 18).

اما ما در این پژوهش این تعریف از جهانی شدن را جامه ی عمل می پوشانیم که جهانی شدن ترکیبی از یک پروژه و فرایند است بدین معنا که ممکن است کشورهای غربی در راستای یک پروژه به دنبال غربی کردن جوامع غرب آسیا باشند و یک پروسه است که از دهه ۹۰ میلادی آغاز گردیده و امارات متحده ی عربی با اتکا بر نگرش و جنبه ی اقتصادی آن روی به مباحث نوینی همچون دیپلماسی اقتصادی آورده است.

۳- سیاست خارجی توسعه گرا

سیاست خارجی توسعه گرا مفهومی است که چه در نهان و چه در آشکار با مفهوم توسعه اقتصادی تنیده شده است همین امر سبب شده است تا بتوانیم درک درستی از مفاهیم سیاسی و مفاهیم اقتصادی در این زمینه ارائه دهیم؛ به طوری که می توانیم در راستای بعد سنجی سیاسی این مقوله به کلان مفاهیمی همچون تضمین دسترسی به منابع، ارتقا تصویر کشور با دیپلماسی عمومی مرتبط و همچنین بازگذاشتن دست دولت در تصمیم سازی سیاست خارجی اشاره کنیم، اما در راستای بعد سنجی اقتصادی آن نیز می توان به ارتقای میزان تجارت داخلی، تولید ملی، بالابردن جایگاه منطقه ای و فرامنطقه ای اقتصادی اشاره کرد. نکته حائز اهمیت در امر سیاست خارجی توسعه گرا این است که این مهم بدون داشتن دولتی مبتنی بر اجماع نخبگان، کارگزاران قدرتمند و همچنین نگاه های مبتنی بر عمق استراتژیک اقتصادی قابلیت بروز و ظهور ندارد. (اسلامیان و حبیبی، ۱۳۹۹: ۳۴۰)

۴- دیپلماسی اقتصادی

مفهوم دیپلماسی اقتصادی از منظر رویکردی چه در بطن و چه در عمل با مفاهیم گوناگونی همچون اقتصاد سیاسی و یا دیپلماسی بازرگانی دارای قرابت های فکری و نظری است. نظریه پردازان اقتصاد سیاسی بر این امرند که اقتصاد سیاسی با تقویت هدف ارتقا سطح زندگی شهروندان در پی توجه و

^۵ - Geoeconomics

^۶ - The theory of economic interdependence

در یک جمع‌بندی از نگرش‌های لیبرالی و رئالیستی به وابستگی متقابل می‌توان بیان کرد که نظریه لیبرال استدلال می‌کند که وابستگی متقابل با افزایش هزینه‌های جنگ، صلح را ترویج می‌کند، درحالی‌که نظریه رئالیست استدلال می‌کند که وابستگی متقابل آسیب‌پذیری است که دولت‌ها ممکن است با تصرف منابع و بازارها برای خودکفایی سعی کنند از آن فرار کنند (Snyder, 2016).

امروزه با بیانی راسخ می‌توان مطرح کرد که رشد اقتصادی به طور بالقوه می‌تواند توانایی‌های نظامی کشورهای ضعیف‌تر را افزایش دهد و آنها را قادر به چالش کشیدن قدرت و امنیت کشورهای قوی‌تر کند تمایل به جلوگیری از رسیدن رشد اقتصادی کشورهای ضعیف به سطحی که بتوانند با کشورهای قوی‌تر رقابت کنند، می‌تواند کشورهای قوی‌تر را به درگیری و جنگ سوق دهد (Monteiro & Debs, 2020).

شایان‌ذکر است دلیل انتخاب این نظریه برای این پژوهش این است که در راستای تحلیل روابط دوجانبه میان امارات متحده عربی و قطر از دیدگاه عنصر اقتصاد، امارات توانسته است با یک رویکرد مبتنی بر صلح و گرایش به آموزه‌های مکتب لیبرالیسم در راستای توسعه‌ی سیاست خارجی خود از منظر وابستگی متقابل بکوشد و به‌جای پرداخت به نقاط چالش‌برانگیز منازعه پرداز روی به نقاط اشتراک اقتصادمحور بیاورد، به همین سبب این نظریه به‌خوبی می‌تواند دیپلماسی اقتصادی کشور امارات متحده عربی در قطر را تبیین و تحلیل نماید.

۳- سیاست خارجی امارات متحده عربی

هدف وزارت امور خارجه امارات متحده عربی از طریق مأموریت‌ها، سفارت‌ها و روابط متمایز خود با کشورهای سراسر جهان، جذب و تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تحرک در ساختار تجارت و تقویت روابط اقتصادی دوجانبه و چندجانبه است. این تلاش‌ها هسته دیپلماسی اقتصادی امارات متحده عربی را تشکیل می‌دهند که در نهایت در «چشم‌انداز ۲۰۲۱» و «چشم‌انداز صد ساله امارات ۲۰۷۱» مشهود است.

به عرصه تبیین و تحلیل آورد. در باب این نظریه نیز شکل‌های نظری زیادی وجود دارد که از طریق آنها می‌توان وابستگی متقابل اقتصادی را تعریف کرد. اگرچه بسیاری از محققان و پژوهشگران در مورد وابستگی متقابل نوشته‌اند، اما این تعریف همچنان در حال تکامل است و دارای بخش‌های متعددی است. (Tanious, 2019: 42) نظریه وابستگی متقابل بنابراین ایده است که ملت - دولت‌ها به هم متصل هستند و از طرق گوناگون به یکدیگر تکیه می‌کنند و منجر به شبکه پیچیده‌ای از روابط و وابستگی‌ها می‌شود. این نظریه حاکی از آن است که کشورها وقتی تعداد ابزارها و شبکه‌های ارتباطی که استفاده می‌کنند را افزایش می‌دهند، در اجرای راهبردهای دیپلماسی اقتصادی موفق‌تر می‌شوند، درعین‌حال آنهایی که کمتر مؤثر هستند را کنار می‌گذارند. نظریه وابستگی متقابل بر اهمیت ابزارهای چندگانه و متنوع دیپلماسی اقتصادی تأکید دارد که شبکه‌های وابستگی متقابل را تشکیل می‌دهند و مراکز نفوذ منطقه‌ای را به هم متصل می‌کنند. (Karnaukhova, 2023).

در راستای تبیین وابستگی متقابل اقتصادی پرسشی مهم مطرح است بدین معنا که این نظریه احتمال جنگ را در بین دولت‌ها افزایش یا کاهش می‌دهد؟ با پایان یافتن جنگ سرد، این پرسش به‌عنوان سطح تجارت بین قدرت‌های مستقر مانند ایالات متحده و روسیه و قدرت‌های نوظهور اهمیت پیدا می‌کند. در اینجا با بررسی آرا دو جریان غالب در روابط بین‌الملل یعنی واقع‌گرایان که بر عواملی مانند قدرت نسبی تأکید می‌کنند و لیبرال‌ها که بر نبود یا حضور رژیم‌های امنیت جمعی و فراگیر شدن جوامع دموکراتیک تمرکز می‌کنند می‌توان گفت که وابستگی متقابل اقتصادی تنها عاملی است که نقش مهمی در تفکر هر دو گروه دارد و دیدگاه‌های آنها را که کاملاً متضاد است با یکدیگر می‌تواند پیوند دهد. لیبرال‌ها استدلال می‌کنند که وابستگی متقابل اقتصادی با افزایش ارزش تجارت نسبت به جایگزین تجاوز، احتمال جنگ را کاهش می‌دهد: دولت‌های وابسته به یکدیگر ترجیح می‌دهند تجارت کنند تا با یکدیگر بجنگند. (Copeland, 1996)

بهار عربی، قطر را مجبور به تغییر ساختار سیاست خارجی خود کرد. از این رو نقش میانجی و یکپارچه‌کننده‌ای که دوحه تا آن زمان ایفا کرده بود، تبدیل به نقش فعال‌تر و مستقل‌تر شد که در آن ابزارهای قدرت سخت به تدریج جایگزین ابزارهای قدرت نرم قبلی شدند. (Ossorio & Garcia, 2021: 62)

از این رو قطر در سال‌های اخیر به یک قدرت منطقه‌ای و بازیگری تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل تبدیل شده است. قطر سیاست خارجی قدرت نرم را همراه با نگرش‌های سخت در پیش گرفته است که نقش برجسته‌ای در ظهور نوینی در صحنه بین‌الملل ایفا کند. (Naier & Altunta, 2021)

کشور قطر از ورزش به عنوان یک ابزار سیاست خارجی برای ایجاد روابط هر چه بیشتر با کشورهای و مردم در جهان برای به دست آوردن قدرت نرم و به دلایل امنیت ملی استفاده می‌کند، (Reiche, 2015).

رویکرد قطر در سیاست خارجی به گرایش‌ها اخوان‌المسلمین دارای یک پارادایم نامشخص است بدین معنا که این ارتباط از شکل خاص و رویکردهای مبتنی بر ساختار سیاست خارجی تبدیل شده است به روابط فردی و توصیه کارگزاران اخوانی به کارگزاران قطری از این رو تحلیل نقش اخوان‌المسلمین در سیاست خارجی قطر، امری شگرفت و پیچیده است. (محمودی کیا، ۱۴۰۲) در نهایت باید مطرح کرد که سیاست خارجی قطر با توجه به رویکرد اقتصاد محور، ارتباط موثر و کارا را با همسایگان و به طور خاص کشورهای عربی در نظر دارد.

- وضعیت اقتصادی قطر

در عرصه اقتصاد، قطر به طور سنتی اقتصادی مبتنی بر صدور مروارید داشته است، اما با پیدایش نفت و گاز، اکنون اقتصاد این کشور بر مبنای صدور گاز به ویژه در قالب LNG استوار است. قطر از سال ۱۹۷۳، وارد عرصه تولید نفت و سپس گاز شد. این کشور با داشتن ۱۵/۲۱ میلیارد بشکه ذخایر ثابت شده نفت خام، چهاردهمین رتبه جهانی منابع نفت را در اختیار دارد و ظرفیت تولید روزانه ۸۰۰ هزار بشکه نفت خام

امارات متحده عربی استراتژی اقتصاد متنوع را در پیش گرفته در عین حال به بهره برداری از مزایای منابع طبیعی فراوان خود ادامه می‌دهد. وزارت امور خارجه این کشور با تقویت جایگاه ملی به عنوان بازیگر اصلی در صحنه جهانی، نقش مهمی در حصول اطمینان از بهره مندی از روندهای اقتصادی جهانی ایفا می‌کند لازم به ذکر است که امارات متحده عربی دومین قدرت اقتصادی در جهان عرب است که رشد قوی و پایدار خود را به گردشگری، حمل و نقل، لجستیک، مالی، املاک، بانکداری و انرژی‌های تجدیدپذیر نسبت می‌دهد.

این کشور سرمایه گذاری در آموزش، فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی، سلامت و تولید را در اولویت قرار داده است. امارات متحده عربی از طریق سیستم معافیت مالیاتی، زیرساخت‌های پیشرفته و غلبه بر موانع راه اندازی کسب و کار، سابقه اثبات شده‌ای در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی دارد. امارات متحده عربی همچنین برای تسهیل سرمایه گذاری خارجی از طریق ایجاد صندوق‌های دارایی دولتی موفق کار کرده است. از طریق این دارایی‌ها، دولت به یک سرمایه گذار عمده در بسیاری از کشورهای جهان تبدیل شده است. درآمد حاصل از این بودجه صرف رشد کشور می‌شود که بخش زیادی از آن به پروژه‌هایی در زمینه انرژی، صنعت، ارتباطات، فناوری اطلاعات، زیرساخت‌ها، مراقبت‌های بهداشتی و انرژی‌های تجدیدپذیر اختصاص می‌یابد. (وزارت امور خارجه امارات متحده عربی، ۱۴۰۲)

- سیاست خارجی قطر

سیاست خارجی کشور قطر به شدت بر قانون اساسی متمرکز است به طوری که حفظ حاکمیت و استقلال و دفاع از هویت کشورهای عربی و مبانی اسلامی با رعایت میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی و تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی و دفاع از آزادی‌های عمومی و خصوصی و حقوق بشر بر طبق اصول ششم و هفتم قانون اساسی از اهمیت بالایی برخوردار است. (وزارت امور خارجه قطر، ۲۰/۰۸/۱۳۹۹)

است؛ اما پایگاه نظامی العدید، به خصوص پس از انتقال مقر ستاد فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا از فلوریدا به این مکان، به یکی از واحدهای بسیار مهم پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس تبدیل شده است. (tabnak,2023)

- تحریم قطر

در سال ۲۰۱۷ چهار کشور عربی یعنی امارات متحده عربی، عربستان سعودی، بحرین و مصر روابط دیپلماتیک خود با کشور قطر را قطع کردند و این کشور را عملاً در یک بن بست دیپلماتیک قرار دادند و از این کشور درخواست هایی را مبنی بر راه حل رفع این بحران داشتند، که در ادامه به دلایل آن خواهیم پرداخت:

۱- از دیدگاه غبر اصولی آنها ارتباط قطر با جمهوری اسلامی ایران و شراکت راهبردی این دو در زمینه رفع تحریم های ظالمانه ایالات متحده آمریکا سبب می شد تا امنیت منطقه ای این کشورها دچار چالش شود، لکن از قطر درخواست قطع ارتباط با ج ا را داشتند

۲- قطر باید به سرعت پایگاه های نظامی ترکیه را که در حال ساخت است ببندد و هرگونه همکاری نظامی با ترکیه در داخل خاک قطر را متوقف کند.

۳- در راستای حفظ ثبات منطقه ای، قطر باید تمامی روابط خود را با گروه های شبه نظامی و اسلام گرایی رادیکال از جمله اخوان المسلمین، داعش، القاعده، فتح الشام (جبهه النصره و حزب الله لبنان قطع کند.

۴- از روابط مالی با تمام افراد، گروه ها یا سازمان هایی که توسط عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر، بحرین، ایالات متحده و سایر کشورها به عنوان تروریست معرفی شده اند خودداری کند.

۵- در راستای قوانین بین المللی، شخصیت های تروریستی، فراریان و افراد تحت تعقیب از طرف عربستان سعودی، امارات، مصر و بحرین را شناسایی و دارایی های آنها را مسدود کنید و هرگونه اطلاعات مورد نیاز در مورد محل سکونت، جابجایی و امور مالی آنها را ارائه دهد.

را دارد و انتظار می رود در سال ۲۰۱۳، این میزان به ۳۱/۱ میلیون بشکه در روز افزایش پیدا کند.

از نظر منابع گاز، قطر رتبه سوم را بعد از روسیه و ایران با ۲۵/۲۶ تریلیون متر مکعب گاز، یا ۱۴/۴ درصد از منابع گازی دنیا، در اختیار دارد. روسیه، ایران و قطر هر کدام به ترتیب ۲۰/۶، ۳/۳۸ و ۲ درصد گاز جهان را تولید می کنند. اما اهمیت و موفقیت قابل توجه قطر در تولید و صادرات گاز مایع یا LNG است. این کشور توانست در سال ۲۰۰۸، در تولید LNG از اندونزی پیشی بگیرد و به بزرگترین صادر کننده گاز طبیعی مایع جهان تبدیل شود و اکنون بیش از ۳۸ میلیون تن LNG تولید می کند که این میزان تا سال ۲۰۱۲، به بیش از ۷۷ میلیون تن خواهد رسید. قطر با مشارکت شرکت های بزرگ بین المللی و به خصوص آمریکایی و دستیابی به فناوری تولید LNG، به سطح بالای تولید این محصول رسیده است. (PGSC,2023)

۴- وضعیت نظامی قطر

قطر یکی از کوچکترین ارتش های منطقه را دارد. بودجه نظامی ۱.۹ میلیارد دلاری آن تنها ۳.۴ درصد بودجه نظامی ۵۶.۷ میلیارد دلاری عربستان است و استعداد نفرات، تانک ها و هواپیماهای جنگی اش از امارات و بحرین هم کمتر است. در عین حال پایگاه فرماندهی ده هزار مأمور نظامی آمریکایی در این کشور قرار دارد. (Euronews,2019) حضور نظامی مستقیم و مداوم آمریکا در قطر به دوران اخیر بازمی گردد. به نحوی که این کشور امروز، به یکی از پایگاه های ثابت آمریکا و ناتو در منطقه تبدیل شده است.

قطر هم اکنون چندین پایگاه نظامی برای پشتیبانی و حمله در اختیار آمریکا قرار داده و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و مشکلات آمریکا با عربستان به مقر اصلی استقرار نیروهای آمریکایی تبدیل شده است. امکانات نظامی آمریکا در این کشور به صورت وجود انبارهای تسلیحات و نیز تجهیزات نظامی برای تشکیل ارتشی در اندازه یک تیپ در اردوگاه نظامی السیلیه و فرودگاه بین المللی الدوحه و منطقه ام سعید

۶- در راستای سیاست های رسانه ای بستن شبکه الجزیره و ایستگاه های وابسته به آن در نقاط مختلف در اولویت قرار گیرد

۷- دست از مداخله در امور داخلی کشورهای مستقل بردارد. و از اعطای تابعیت و شهروندی به افراد تحت تعقیب عربستان سعودی، امارات، مصر و بحرین را خودداری کند و اگر هم تابعیت داده است سلب تابعیت کند.

۸- قطر برای خسارات جانی و سایر خسارات مالی ناشی از سیاست های قطر در سال های اخیر غرامت بپردازد. شایان ذکر است این مبلغ با هماهنگی قطر تعیین خواهد شد.

۹- قطر باید در راستای توافقی که در سال ۲۰۱۴ با عربستان سعودی به دست آمد، از نظر نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را با کشورهای خلیج فارس و سایر کشورهای عربی همسو کند. (arabic.cnn,2021)

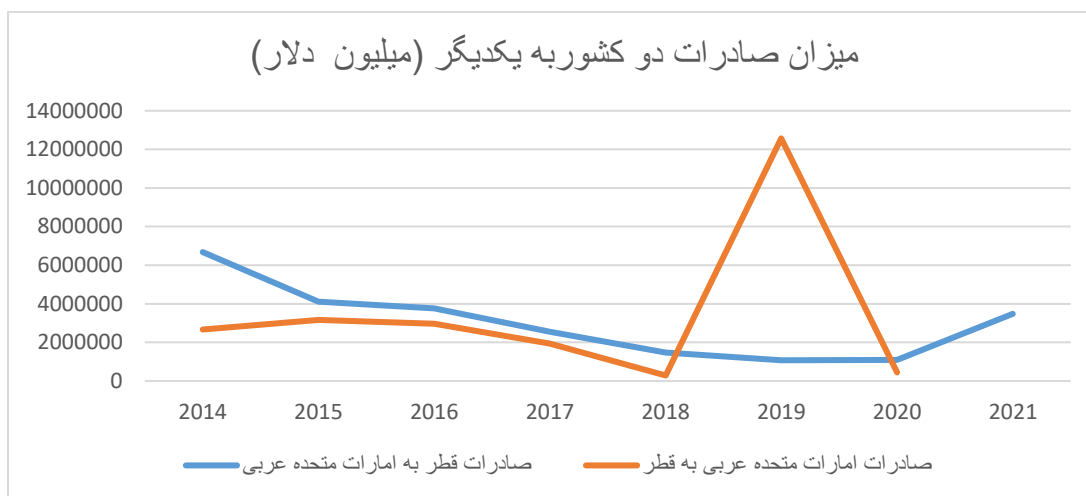
۵- همکاری های انرژی پایه دو کشور

چندی پیش شرکت انرژی قطر یک قرارداد بلندمدت برای تأمین میعانات گازی هلدینگ اینوک که یک شرکت متخصص در حوزه نفت و گاز است، با کشور امارات به امضا رساند. بر اساس مفاد این قرارداد که به مدت ۱۰ سال به طول می انجامد قطر ۱۲۰ میلیون بشکه میعانات گازی به امارات عرضه می کند. بر اساس این توافق، انتظار می رود که حجم میعانات گازی موجود در قرارداد افزایش یابد، زیرا که با آغاز تولید پروژه های توسعه شمال شرق و جنوب در کشور امارات، این کشور نیاز بیشتری به انرژی پیدا می کند فلذا قطر باید مقادیر بیشتری میعانات گازی صادر کند. (عربی بیست و یک، ۲۰۲۳)

دیپلماسی اقتصادی فی مابین به روایت آمار:

سال	میزان صادرات امارات متحده عربی به قطر (میلیون دلار)	میزان صادرات قطر به امارات متحده عربی (میلیون دلار)
۲۰۱۴	۲۶۷۲۷۸۱	۶۶۸۰۳۱۵
۲۰۱۵	۳۱۶۵۱۷۰	۴۱۱۰۲۹۴
۲۰۱۶	۲۹۶۸۹۰۵	۳۷۵۶۷۵۹
۲۰۱۷	۱۹۴۷۳۸۶	۲۵۵۵۳۲۵
۲۰۱۸	۲۸۷۴۳۹	۱۴۸۳۳۱۹
۲۰۱۹	۱۲۵۷۰۰۰	۱۰۷۵۵۳۴
۲۰۲۰	۴۴۳۰۰۰	۱۰۸۶۹۸۵
۲۰۲۱	۲۵۲۳۴۰۸	۳۴۷۳۸۰۱

جدول شماره ۱: میزان صادرات دو جانبه (ماخذ: worldbank.org)



نتیجه‌گیری

توسعه ارتقاء دهد. قطر با فاصله گرفتن از ایدئولوژی‌های کهن در جامعه‌ی عربی همچون پان عربیسم توانست خود را به‌عنوان یک بازیگر مهم اقتصادی که می‌تواند نقش میانجی‌گرایانه سیاسی نیز داشته باشد به جهانیان معرفی کند؛ از این رو یکی از مهم‌ترین ابزار این امر را دیپلماسی اقتصادی در سایه همسایگان انتخاب نموده است. پرسش اصلی این پژوهش را می‌توان دیپلماسی اقتصادی امارات متحده عربی با قطر حاوی چه چالش‌ها و فرصت‌هایی است؟ تبیین کرد. روش پژوهش این مقاله کیفی و با رویکرد توصیفی تحلیلی است. همچنین ابزار گردآوری اطلاعات را نیز می‌توان مقالات، کتاب‌ها و سایت‌های اینترنتی مطرح کرد. از آنجاکه این پژوهش کاربردی است از دادن فرضیه خودداری می‌گردد. در راستای تبیین و تحلیل دیپلماسی اقتصادی دو کشور می‌توان بیان کرد که روابط اقتصادی آنها به شدت نشئت‌گرفته شده از روابط سیاسی آنهاست به طوری که بر اساس آمارهای موجود در مقاله در سال‌های پیشا تحریم قطر شاهدیم که میزان صادرات قطر به کشور امارات تقریباً نسبت ۲ به ۱ را تجربه می‌کند و این نشان می‌دهد که این کشور در راستای منابع انرژی و میعانات

با بروز و ظهور عنصر جهانی‌شدن در منطقه خاورمیانه شاهدیم که اقتصاد به‌عنوان یک بازیگر مهم و پرنفوذ توانسته است دولت - ملت‌های این منطقه را تحت‌تأثیر بگذارد و در نوع خفیفی آنها را وادار به همگام‌سازی با عرصه جهانی کند. یکی از کشورهایی که توانست عنصر جهانی‌شدن را نه تنها در اذهان حکمرانان بلکه در عمل و نگاه به حکمرانی جامعه عمل بپوشاند کشور امارات متحده عربی بوده است. این کشور باتوجه به این عنصر سعی در ارتقای شاخص‌های داخلی و خارجی اقتصاد خود نمود سپس از سال ۲۰۰۴ به بعد سعی در این امر نمود که این تغییر نگرش در حکمرانی به عرصه مرادفات خارجی خود وارد و با استفاده از مفهوم سیاست خارجی توسعه گرا دست به دیپلماسی اقتصادی بزند. در طرف دیگر ماجرا شاهدیم که کشور قطر به‌عنوان یک بازیگر کم جمعیت اما پر از منابع سرشار اقتصادی با یک نگرش توسعه گرایانه فقط در سیاست خارجی روی به بازیگری در منطقه خاورمیانه آورده است و توانسته است با استفاده از قدرت نرم خود و همچنین دیپلماسی ورزشی جایگاه خود را از یک کشور آسیایی توسعه خواه به یک کشور فرا آسیایی در حال

می‌توانند مانع گسترش روابط اقتصادی دو کشور شوند، ایالات متحده از آن جهت که قطر را به‌عنوان یک بازیگر اقتصادی می‌شناسد به دنبال این امر می‌تواند باشد که با حمایت‌های سیاسی خود جایگاه منطقه‌ای امارات متحده عربی را لرزان و قطر را به‌عنوان کشور اول منطقه‌ی عربی مطرح کند؛ اما در نگاهی دیگر نیز می‌توان انتظار داشت که برای امارات متحده عربی نیز با توجه نیازهای این کشور به عضویت در سازمان‌های بین‌المللی جایگاه فرامنطقه‌ای تعریف کرده باشد؛ از این رو با توجه به این امر دیپلماسی اقتصادی دوجانبه این کشورها به نفع منافع حیاتی ایالات متحده نیست و در نگاهی دیگر عربستان هم به دلیل آنکه خود را به‌عنوان رهبر جهان عرب از منظر سیاست مطرح می‌کند علاقه‌مند به تقویت قدرت اقتصادی این دو کشور نیست تا بتواند جایگاه رهبری اقتصادی جهان عرب را نیز به دست آورد و در یک نگاه فرصت محور نیز می‌توان انتظار داشت با تقویت روابط اقتصادی این دو کشور شاهد بازگشت ثبات و امنیت بیشتر به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سطح خرد و در سطح کلان به کشورهای منطقه باشیم.

۴. چاترجی، چالرز. (۲۰۲۰). *دیپلماسی اقتصادی و سیاست گذاری های خارجی*، مترجم، پوررمضان، پرهام و پوررمضان، پرستش (۱۴۰۱). تهران، نشر اندیشکده روابط بین الملل.
۵. حیدری، محمد؛ انعامی علمداری، سهراب. (۱۳۹۱).
- دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مجله علوم سیاسی (دانشگاه آزاد کرج)، دوره ۸، شماره ۲۰.
۶. عزیزیان، امید؛ جعفری، علی اکبر؛ رفیع، حسین؛ کریمی، علی. (۱۴۰۲). «استراتژی سیاست خارجی محمد بن زاید؛ تهدیدات، ظرفیت‌ها و الزامات امنیتی ایران»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره ۱۳، شماره ۱.

گازی نیازهای امارات متحده عربی راشناخته و توانسته بر آن تسلط یابد؛ اما در سال‌های پساتحریم شاهدیم که این نسبت به طرز عجیبی روند کاهنده طی کرده است که بیانگر این است که اختلافات سیاسی بین دو کشور بر روی نیازهای حیاتی آنها نیز می‌تواند سایه افکند. امارات متحده عربی در راستای سیاست‌های توسعه‌گرایانه‌ای که آغاز کرده است و خواهان پروژه‌هایی همچون اقتصاد دیجیتال و تبدیل شدن به هاب ارزی منطقه در این امر است به‌شدت به سرمایه‌گذاری در ابعاد گوناگون به بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیاز دارد، چین با توجه حضور فزاینده‌اش در منطقه به دنبال شراکت راهبردی با امارات متحده عربی در این زمینه و دیگر جنبه‌های توسعه‌ی امارات است، اما با توجه به اینکه روابط دوحه و دوی در شرایط کنونی از روند رو به گسترشی برخوردار است و همچنین قطر هم اعلام آمادگی کرده است تا سطح روابط بالا رود می‌توان انتظار داشت که قطر به‌عنوان یک شریک راهبردی و اقتصادی امارات متحده عربی به نقش‌آفرینی بپردازد. در پایان می‌توان مطرح کرد که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچون عربستان سعودی و ایالات متحده هریک به‌نوعی

منابع و مآخذ

۱. اسلامیان، مجتبی؛ حبیبی، رحمان. (۱۳۹۹). «اقتصاد سیاسی در سیاست خارجی ج.ا.ایران؛ با تأکید بر سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا»، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۱۲.
۲. امامی، کاووس. (۱۳۹۸). *پژوهش در علوم سیاسی رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی*، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳. پوررمضان، پرهام. (۱۴۰۱). «تحلیل تأثیرات توسعه‌گرایان ترانزیتی بر ارتقاء جایگاه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: کریدور جنوب به شمال)»، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، دوره ۵

۷. غلام نیا، هادی؛ پیرمحمدی، سعید. (۱۳۹۹). «تحول در سیاست منطقه ای امارات متحده عربی؛ رهیافت محمد بن زاید»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۳.
۸. محمودی کیا، محمد. (۱۴۰۲). «الگوی سیاست خارجی اخوانی قطر؛ زمینه‌های تاریخی، ابزارها و پیامدهای آن»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، دوره ۳۰.
9. Al-Kuwari, A. K. (2012). The visions and strategies of the GCC countries from the perspective of reforms: The case of Qatar. *Contemporary Arab Affairs*, 5(1), 86-106.
10. Álvarez-Ossorio, I., & Garcia, L. R. (2021). The foreign policy of Qatar: From a mediating role to an active one. *Revista Espanola de Ciencia Politica*, (56), 97-120.
11. Copeland, D. C. (1996). Economic interdependence and war a theory of trade expectations. *International Security*, 20(4), 5-40.
12. Karnaukhova, O. S., & Ponomareva, Y. V. (2023). Economic Diplomacy of Armenia and Kazakhstan in the Context of Interdependence Theory. *IZVESTIYA VUZOV SEVERO-KAVKAZSKII REGION SOCIAL SCIENCE*, (1 (217)), 71-79.
13. Khatib, L. (2013). Qatar's foreign policy: The limits of pragmatism. *International Affairs*, 89(2), 417-431.
14. Kourgiotis, P. (2020). Moderate Islam made in the United Arab Emirates: Public diplomacy and the politics of containment. *Religions*, 11(1).
15. Lipkan, V., Kuznichenko, O., & Ivanov, A. (2023). GEOECONOMICS AS A TOOL OF MODERN GEOSTRATEGY. *Baltic Journal of Economic Studies*, 9(1), 113-123.
16. Moghadam, V. M. (2021). What was globalization? *Globalizations*, 18(5), 695-706.
17. Monteiro, N. P., & Debs, A. (2020). An economic theory of war. *Journal of Politics*, 82(1), 255-268.
18. Naier, T., & Altuntaş Çakır, Dr. R. (2021). Qatar Soft Power: From Rising to the Crisis. *International Journal of Business and Applied Social Science*, 43-52.
19. Reiche, D. (2015). Investing in sporting success as a domestic and foreign policy tool: the case of Qatar. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 7(4), 489-504.
20. Snyder, J. (2016). Trade expectations and great power conflict: A review essay. *International Security*, 40(3), 179-196.
21. Tanious, M. E. (2019). The impact of economic interdependence on the probability of conflict between states: The case of "American-Chinese relationship on Taiwan since 1995." *Review of Economics and Political Science*, 4(1), 38-53.
22. Walter, S. (2021, May 11). The Backlash against Globalization. *Annual Review of Political Science*. Annual Reviews Inc.